

# آمایش سرزمین و توسعه پایدار روستائی با رویکرد گردشگری

دکتر محمود رحمانی<sup>۱</sup>

## چکیده

تفکر آمایشی، با توجه به مفهوم آمایش، بهره‌برداری مطلوب و مستمر از قابلیت‌ها و توانایی‌های محیط با کمترین میزان تخریب است. عملکرد آن ساماندهی رابطه انسان و فعالیت‌هایشان را با فضا و محیط با روند کلی جریان تحولات بهینه نتیجه می‌دهد و از طریق یک چهارچوب ادراکی منطقی، برخورد سیستماتیک و متناسب، نارسائیها و مشکلات اجرایی آن را ارائه می‌نماید. لذا ابتدا با شناخت و درک نیازها و وضعیت ظهور و شکل‌گیری آنان، چگونگی تحولات و تغییرات روابط بین پدیده‌ها و جایگاه و خاستگاه‌های آن با قانونمندیهای کمی و کیفی سازگار تبیین می‌گردد و از طریق نوعی درونگرایی از طبیعت به انسان و برونگرایی از نیمه آگاهی یا ناخودآگاهی به آگاهی از ادراک به طراحی و اجرا می‌رسد.

اهرمهای گزینش شده مؤثر در این زمینه، می‌تواند شامل مجموعه‌ای از پارامترهای اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی باشد، تا فعالیت یا حرکتی را شکل دهد و سبب انتخاب رویکرد خاصی بعنوان پایه‌ای برای طرح توسعه پایدار شود؛ تا با توجه به ویژگیهای محلی و محیطی در قالب الگو یا الگوهای زیستی رعایت اصول اساسی توسعه پایدار را ثمر دهد. در این رابطه توجه به محدودیتهای اکولوژیکی عمده، پایداری اقتصادی و اجتماعی در مقیاس فردی و جمعی از الزامات پایداری و تحقق عدالت اجتماعی است؛ تا شرایط آسایش ضروری جوامع انسانی و گروههای مردمی در عرصه‌های سکونتی روستائی و شهری را تأمین نماید. در این مطالعه، آمایش سرزمین و توسعه پایدار روستائی با تأکید بر رویکرد گردشگری، می‌تواند در بهره‌برداری از قابلیت‌های محیطی و ارتقای سطح زندگی این جامعه کارساز باشد و در چشم‌انداز توسعه پایدار روستائی عملکرد آن را در باور آورد.

## واژگان کلیدی

آمایش سرزمین، توسعه پایدار، رویکرد گردشگری، فضا و محیط، الگوهای زیستی

## مقدمه

حدود شش دهه از عمر نظام برنامه‌ریزی در ایران که براساس برنامه‌ریزی بخشی پایه ریزی شده است می‌گذرد، نگرش بخشی به توسعه، بویژه در چند دهه نخستین، برقراری نظام برنامه‌ریزی توسعه در کشور، متأثر از دیدگاه‌های مطرح در جهان بوده است. اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی متکی بر رویکرد بخشی، در ایران نیز مانند دیگر کشورهای جهان منجر به عدم تعادل‌های منطقه‌ای، حاشیه‌ای شدن برخی مناطق، از دست دادن منابع و توانهای منطقه‌ای و نابرابری‌های سرزمینی شده است. بررسی وضعیت کنونی کشور بیانگر آن است که تمرکز گرایی و غلبه رویکرد بخشی در برنامه‌ریزی‌ها روند توسعه کشور را دچار اختلال کرده است و برنامه‌ریزی را از حیز انتفاع ساقط نموده است.

برخلاف رویکرد بخشی، آمایش سرزمین با رویکرد همه سونگر در چهارچوب توسعه فضائی سعی دارد با پدیده عدم تعادل منطقه‌ای برخورد کرده و راهکارهای مناسب را برای تحقق توسعه متوازن، همه جانبه و پایدار در سطح سرزمین ارائه نماید. در این رابطه باید اذعان داشت که حرکت کشور ما در مسیر توسعه پایدار مستلزم توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای و محلی و قابلیت و توانایی‌های اکولوژیکی و اقتصادی و اجتماعی آن در برنامه‌ریزی توسعه است که در برنامه‌ریزی‌های بخشی به لحاظ تمرکزگرایی یا حصول آن مقدور نبوده و یا دسترسی به تمام آن امکان‌پذیر نیست. در کشورهای توسعه یافته با نظام سیاسی و اقتصادی غیرمتمرکز با استفاده از یک نظام برنامه‌ریزی شده مشخص به سطوح مطلوبی از توسعه یافتگی درونزا و نه القائی دست یافته‌اند و فعالیتها با تعدیل و تغییر کاربریها و بهبود استمرار کارائی نیازها را تحقق بخشیده است و هماهنگی برنامه‌ها در بعد فضائی برای آفرینش محیط زندگی مطلوب به لحاظ مالی و فرهنگی هدایت گردیده است.

اما، سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت آن در کشورهای در حال توسعه، از جمله کشورمان که در جریان حرکت یا گذر به مرحله توسعه یافتگی قرار دارد، ابهاماتی ایجاد کرده‌اند که عوامل بیرونی و درونی را موانع توسعه قلمداد می‌نمایند و نبود هماهنگی در اهداف را ناشی از مسائل مذکور می‌دانند.

بهر صورت، هدف عمده در آمایش سرزمین ایجاد تعادل در توزیع جغرافیائی فعالیتها، تمرکززدائی و باز توزیع منابع و مشاغل در سرزمین و تحوّل در ساختار سازمانی و آفرینش راهبردهای آمایشی است. لذا، با این نگاه و متکی بر تجارب کشورهای توسعه یافته، گروههای جمعیتی به لحاظ استقرار مکانی، فضائی می‌توانند از رویکردهای متفاوتی در توسعه بهره‌مند شوند و از منابع و فعالیتهای انحصاری و محدود رهائی یابند و با استفاده از تنوعات شغلی و زمینه‌های کاری از حصار محدودیتها خلاصی یابند.

بنابراین، رویکرد گردشگری در توسعه نواحی روستائی به لحاظ ویژگیهای اکولوژیکی و پتانسیلهای اجتماعی فرهنگی می‌تواند بسیار موثر و سبب توسعه و احیای مناطق روستائی گردد. و همچنین، جاذبه‌های اقتصادی و جمعیتی خود را حفظ و یا باز یابد و در نتیجه تواناییهای اقتصادی را در نمادی دیگر به رخ کشاند و قابلیتهای محیطی را در فعالیتهای دیگر بکار گیرد.

## طرح موضوع

گردشگری در دنیای امروزی در حیطه عملکردی از گسترش قابل توجهی برخوردار گشته و در شاخه‌های اعتباری متنوعی توسعه یافته است. امتیازات آن از بعد توسعه اقتصادی در شاخصهای اشتغال و درآمدزائی فراتر رفته و انگیزه‌های تعامل اجتماعی و فرهنگی و تجربه

چگونگی پایداری هنجارهای آن را در دایره شمول خود وارد ساخته است. با این تنوع، فعالیت گردشگری در عرصه‌های متفاوتی حضور پیدا کرد و از محدوده‌های بسته آثار تاریخی - فرهنگی خارج گردید و در میدانی زیستی و اکولوژیکی گوناگونی وارد شد. این تنوعات میدانی سبب پیدایش تخصصهای مکانی در زمینه گردشگری گردید و آمارهای گردشگر را در آمد و شد و دید و بازدیدها افزایش داد.

در این رابطه مناطق روستائی از عرصه‌های جدید در گردشگری است که به لحاظ موقعیتهائی چون پهنه‌بندی اقلیمی و ویژگیهای محیطی طبیعی و قدمت سکونت و اقامت و استعدادهای انسانی و آثار تمدنی آن بصورت یادمانهای تاریخی از جذابیت‌های پنهانی برخوردار است که در گذشته کمتر توجه به آن شده است. در سالهای اخیر، گروههای گردشگر با انگیزشهای طبیعی و یا بازدید و دسترسی به آثار تاریخی - فرهنگی سمت و سوی این مناطق را در سفرهای خود برگزیدند.

این بخش گردشگری گرچه ابتداء در فضای سنتی اجتماع روستائی از محظوریتهای اجتماعی، اخلاقی، مذهبی روبرو بوده است؛ ولی با افزایش آگاهی روستائیان به ابعاد اهمیتی حضور گردشگر و آمد و شدهای آنها در عرصه‌های روستائی و تعاملات فرهنگی و برابری و پایداری ارزشها و امتیازات بومی و سنتی در این تقابل، محدودیت‌های گذشته بتدریج از ساختار حصار و دیوار کنار رفته و جامعه و فضای روستائی در چهارچوبهای منطقی پذیرای گردشگر گردید. صداقت و شفافیت برخورد‌های روستائیان در تعاملات و رواج و دوام فرهنگ بومی و آداب و رسوم قومی مشعب از نژاد و مذهب و متأثر از فضای محیطی، جذابیت‌های این عرصه و مکانهای جمعیتی را افزایش داده است. به همین دلیل، آمار حضور گردشگران مشتاق این شرایط که ترکیبی و انسجامی از فرهنگ و استعداد انسانی و محیط

طبیعی و فعالیتهای اقتصادی ست افزایش یافته است. در حقیقت به دنبال ناکارکردی و کم کارکردی برنامه‌های توسعه روستایی با رویکردهای فیزیکی، کالبدی، اقتصادی - اجتماعی فرهنگی - فضایی - منطقه‌ای، ناحیه‌ای و استراتژیهای گوناگون مرتبط در آنها برای رسیدن از اهداف ذهنی به اهداف عینی و واقعی، رویکرد گردشگری ناخودآگاه وارد عرصه جامعه روستایی گردید؛ تا با استراتژی توسعه پایدار و همه جانبه روستایی و با طی فرایند این استراتژی تواناییهای اجتماعات روستایی و قابلیتها و جذابیتهای محیطی آن در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی بهره‌برداری گردد. گردشگری در عین برقراری توازن میان اجزای تشکیل دهنده نظام سکونت محلی، اعم از اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی، رشد و تعالی و توسعه درآمدی و رفاهی جامعه روستایی را سبب می‌شود.

آنچه که در این رویکرد در فضای روستایی کانون توجه قرار دارد، گردشگری طبیعت یا اکوتوریسم است.

عرصه‌های روستایی از ویژگیهای طبیعی کوهستانی، جلگه‌ای، دشتی، جنگلی، ساحلی و کویری برخوردارند و پیدایش روستاها در این فضاها و چگونگی ساختار مکانی و الگوی سکونتگاهها که از خصوصیات طبیعی متأثراند و تبعیت می‌نمایند. ویژگیهای محیطی طبیعی چون چشم‌اندازهای ارتفاعات و توپوگرافی، ساختار هیدرولوژیکی و چگونگی کیفی و کمی رویشهای گیاهی و نحوه توزیع و شکل‌پذیری قطعات زمینهای زراعی که با تنوع اقلیمی ناشی از مختصات جغرافیائی و مجاورتهای فیزیوگرافیکی تزیین شده است و بر حسب فصول چهارگانه تحوّل می‌یابد. در کنار معماریهای سنتی که متأثر و هماهنگ با اقلیم است و رنگ فرهنگ و آداب و رسوم بومی را در ساختار خود دارد. در کنار شیوه تغذیه و معیشت و ترکیب رنگ و شکل لباس و پوشاک و جلوهگاهی مطلوبی برای گردشگران طبیعت و

فرهنگ است. یعنی داشته‌های محیط در کنار استعداد های بالفعل انسانی که تأثیر و تأثرات انسان و محیط را در طبقات ارتفاعی و یا پهنه‌های آب و هوایی نشان می‌دهد، فرصتهای افراد متخصص و غیرمتخصص و دوستدار طبیعت و فرهنگ و تاریخ را جذب و هزینه می‌کند. مراجعات و حضور گردشگران و ارائه شناخت و آگاهی و معرفی جاذبه‌ها به جوامع محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با تبلیغات رسانه‌ای که از ساز و کارهای رویکرد گردشگری ست، بازارهایی برای گردشگری روستائی مناطق کشور مهیا می‌شود و پایداری حضور گردشگر و طرح نیازها سبب توسعه سامانه‌های زیربنائی، همچون جاده و سهولت دسترسی، هتل و مراکز پذیرائی می‌شود و جذب سرمایه و سرمایه‌گذار را به همراه دارد و ایجاد و تعادل را در توزیع فرصتهای شغلی و منابع درآمدی افراد بومی و محلی را به وجود می‌آورد و کاهش بیکاری و فاصله‌های درآمدی و ارتقای کیفیت زندگی و تعادل توزیع جمعیت و فعالیت یعنی آمایش عرصه‌های زیستی را در بر خواهد داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نتیجه‌گیری

مطالعات در زمینه آمایش نشان می‌دهد که تاکنون سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزیهای توسعه در فضاهای روستائی چندان نتیجه بخش نبوده است و رویکردها و استراتژیها نتوانسته است در حل بموقع مشکلات و رفع موانع توسعه در عرصه‌های روستائی مؤثر باشد. لذا، معضلات و تنگناها در روندهای زمانی و موقعیتهای مکانی مزمن و کهنه شده و اثرات مضاعف خود را بر جوامع روستائی تحمیل و برجا گذاشته است. لذا، کوشش بر این است بر پایه تجارب گذشته یک دیدگاه علمی با رویکرد همه‌سوی با تأکید بر جنبه‌های توسعه پایدار تعریف و تدوین

گردد، تا با کاربری آن و حرکت در چهارچوبهای نظری و تجربه‌های عملی آن، پاسخگوی به مسائل و نیازهای توسعه متوازن و دستیابی به توسعه پایدار باشد.

اما آنچه که در این محاسبات می‌تواند اثربخش باشد، توانهای سرزمینی برای کاربریهای وابسته گردشگری روستائی است. بدیهی است، در این رابطه بهترین یا مرغوبترین عرصه، پهنه‌های اکولوژیکی با ساختارهای مناسب و توانمند محیطی می‌باشد که در معنای سازگاری، مطلوب با شرایط طبیعی تعریف شده و شکل یافته است و کاربری مناسب را با توان سرزمین نشان داده است.

در زمینه توسعه روستائی با رویکرد گردشگری، مناطق از امتیازات و ارزشهای متفاوت و متنوع مکانی - فضائی برخوردارند و در تکمیل سازگاری و تناسب محیطی ساز و کارهای تأمین امکانات اقامتی و خدماتی زیربنائی از اقدامات اولویت دارند، که بصورت توانائیهای برنامه‌ای در پهنه‌های محیطی در وجوه متفاوت چون شیب مناسب (کمتر از ۱۰ درصد)، خصوصیات اقلیمی مطلوب، ارتفاع کمتر از ۱۲۰۰ متر در کانون توجه قرار دارند و پارامترهای عمق خاک، رویشهای گیاهی متنوع و یا نادر با ارزشهای حفاظتی و ژنتیکی و اقتصادی چشم‌اندازهای طبیعی، میراث‌های فرهنگی و تاریخی در بسترسازی فعالیت گردشگری و رشد و شکوفائی و استمرار آن در گزینشهای مکانی نقش بارز دارند.

مطالعات آمایشی با تأکید بر رویکرد گردشگری در توسعه پایدار روستائی گرچه سازوکار یکنواخت را در تمام عرصه‌های فضائی کشور تجویز نمی‌کند، اما گوناگونی محیطهای طبیعی به لحاظ فیزیوگرافیکی و مورفولوژیکی با شدت و ضعف مختلف از نظر مکانی و برتری خصوصیات متنوع طبیعی و یا عوامل فرهنگی و تاریخی با کاربری رویکرد گردشگری و استراتژیهای آن تناسب دارد و در این راستا در چشم‌انداز آینده این رویکرد

می‌تواند توسعه همه جانبه با حفظ خصوصیات طبیعی و نگهداری گروه‌های انسانی در عرصه‌های روستائی را ببار آورد و در تحلیل مشکلات، تمرکز و تراکم جمعیت و فعالیتهای انسانی و انباشت تقاضاهای خدماتی در شبکه‌های شهری فضاهای روستائی را عرصه مناسب معرفی نمود و از این طریق از گرایشها و حرکتهای به سمت شهرها کاست. با توزیع مشاغل و تثبیت فعالیتهای در عملکردهای روستائی سطح و اندازه مهاجرتها را کاهش داد و عمق و اندازه شکافهای درآمدی را محدود ساخت.





## منابع

۱. طرح آمایش سرزمین استانهای کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سال انتشار ۱۳۸۴
۲. جهانگردی در چشم انداز جامع، سازمان جهانی جهانگردی، چاک.وای.گی، ترجمه دکتر علی پارسائیان، سید محمد اعرابی، سال انتشار ۱۳۸۲
۳. مدیریت جهانگردی، مبانی راهبردها و آثار، راجرداس ویل، ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، سال انتشار ۱۳۸۴
۴. برنامه ریزی و آمایش سرزمین، دکتر منوچهر طیبیان، سال انتشار ۱۳۷۴
۵. اقتصاد گردشگری کریشنامورتی ۲۱، استاونگامینک ترجمه محمد فخرین ۱۳۸۳





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی